

زنده باد جمهوری

شورغزیزماایران، الحظاظ حساسی از حیات انقلابی خود رامینگذراند. مردم جان به لب رسیده، جانانه برای سرنوشتی رژیم موجود در میدان مبارزه فاند. نیروهای ملی و ترقیخواه برای دگرگونی اوضاع موجود مبارزه میکنند. عناصر و گروههای مخالف استبداد سلطنتی هم بدست و پا افتاده و برای شکستن سد ناهنجار دیشاتوری ثنونی تلاش میکنند. نالفته پیدا است که هرکدام از این نیروها سعی دارد این حرکت را تا آن حدی ستایان کنند که منافع و رسالت طبقاتی آنان حدم میکنند.

مبارزات مردم از مثل متناوب جهلم شهدای قسبو تبریز، به مرحلهای عالیتر: تظاهرات روزانه، اعتصابات عمومی، بستن بازار، اعتصاب کارمندان و کارگران، دگرگیری در یادداشتهای نظامی، مقاومت ارتشیان آزادخواه در برابر فرمان مقامات بالا، رسید و شعار سرنوشتی رژیم استبدادی محمد رضا شاه و برجیدن بساط منفسور سلطنت به شعار عموم مبارزان راستین ایران تبدیل شد. مبارزه از محدود و ناهمهای سرشاده، تظاهرات دانشاها، از میان عدهای روشنفکر، عناصر وابسته به گروههای سیاسی، مساجد خارج شد و بسط همانانی درآمد. تودههای میلیونی بفعالیات انقلابی روی آوردند. کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی، بورژوازی ملی، روشنفکران مترقی، برای تغییر اوضاع و ایجاد دگرگونی بنیادی وارد صحنه مبارزه شدند. نالوده ترس و وحشت فسر و ریخت و مردمی که در شرایط عادی از سیاست دور بودند، در اوضاع بحران ثنونی، با مشتهای گره کرده و سینههای ستیر بعد ان مبارزه کام نهادند.

در میان گروهها و احزاب سیاسی که علیه رژیم حاکم مبارزه میکنند، نظریات مختلف حکمرواست. عدهای برای احیاء قانون اساسی با حفظ همین شاه و عدهای برای برانداختن شاه، تلاش میکنند.

تنها حزب توده ایران است که در اعلامیه مورخ ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ خود برجیدن بساط سلطنت و استقرار جمهوری را پیشنهاد کرده و بر سرای دولت ائتلاف ملی برنامههای مدون ارائه داد.

بنابر تحلیل کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه ۱۳ شهریور ۱۳۵۷، "وضع انقلابی در ایران

حکرواست". مردم دگر نمیخواهند بشیوه گذشته زندگی کنند. همراه تظاهرات اعتراضی میلیونی، اعتصاب، همه بخشهای تولیدی و خدمات، حتی رادیو تلویزیون ملی ایران و شرکت هواپیمایی همسار که از مزایای خاصی برخوردار بود فاند، در بر گرفته است.

در میان هیئت حاکمه نیز سراسیمگی و چند دستگی حکمرواست. "حزب فرالیر" که ساخته رستاخیز، حتی نتوانسته جمله هیئت اجرائیه خود را تشکیل دهد. در جلسه مجلس شورا برای تصویب برنامه دولت شریف امامی، ۷۴ نفر در رأی گیری شرکت نکرد فاند. ۱۶ رأی مخالف و رأی متشع داده شد. شریف امامی در مصاحبه ۲۳ مهر خود با مطبوعات، از سانسوری که نه بدستور او، بلکه از جانب مراجع دین (یعنی ساواک) اعمال میشود، شکوه میکند. علی ایشی هم بعنوان سخنگوی عدهای دین، با مساجد کولتاون مخالفت خود را با متصدیان ثنونی دولت ابراز میدارد.

به جز جناح جماعت که تصور میکند با حکومت نظامی و قتل عام مردم میتواند شاه و در نتیجه منافع بلاواسطه امپریالیسم راد را بران و منطقه نجات دهد، دینر جناح هک هیئت حاکمه سراسیمه فاند و در تکیای راه حل "عاقلانه" تری برای پیشگیری از سقوط رژیم و حفظ منافع امپریالیسم به هر دگر میزنند.

متأسفانه اپوزیسیون مترقی عذر رژیم، یعنی سازمان رهبری فکند حرکت انقلابی مردم، متحد نیست و هنوز برنامه مشترک برای وارد آوردن عریه نهایی بر رژیم شاه ارائه نداده است.

مبارزات اخیر، به عیان نشان داده است که تودهها میداندار مبارزه و در عمل متحدند. آنها آگاهانسه و جانبازانه برای سرنوشتی رژیم به میدان آمد فاند. شعار "او باید برود" که به اقصی نقاط ایران رسوخ کرده، جالبترین و آموزندهترین درس برای رهبران منززل سیاسی و تحکیم نفوذ اندیشههای انقلابی و فداکاری

در میان همه مردم است. غرض خشم میلیونها مردم در ریدترین شرایط حکومت نظامی در سراسر ایران، بیانگر این واقعیت است که سر و شوق انقلابی در سینه ما، خروش دیکر دارد. اما رژیم و امپریالیسم میکوشند، حرکت خلقی مبارزات اخیر

راکه دارای پایه اقتصادی و محتوای عمیق آژاندهای سیاسی است، منحصرأ یک حرکت مذهبی - آنها هم "ارتجاعی" - بنمایانند. (سازمان ما، در اطلاعیه مطبوعاتی سوم شهریور، اعتراض خود را بنوشته‌های رسانه‌های گروهی کشورهای سرمایه‌داری اعلام کرد و به دفاع از رهبران مبارز مذهبی و ترمیم غل و واقعی تظاهرات اخیر پرداخت). در صورتیکه بروز جریانهای اخیر شکل مذهبی، دارای علتها و انگیزه‌های خاصی است:

۱- در شرایط ترور و اختناق ساواک، عزت‌جمععی باخونوت ارتش و پلیس و دستگیری شدید مواجه بود، از اینرو مردم با استفاده از شعارها و بیجا رجوانه مذهبی: حق، عدالت، مساوات، و یادآوری بیکار شهدای کریلا علیه شمر و یزید، در مساجد و تکیا که تجمع در آنها حتی در شرایط ترور و اختناق حاکم ممکن است، مبارزه علیه "یزید زان" یعنی شاه را تبلیغ کردند و روزهای مذهبی را برای ابراز خواسته‌های سیاسی خود معتم شمرده‌اند.

۲- بخش خلقی روحانیون، با خواسته‌های خلقی هماهنگی کرده سخن شرح وقایع کریلا و مقایسه دینتوری شاه با خلفای بنی امیه، مردم را به درس گرفتن از فداکاری برزیدگان صد رتبعه فراجواند فاند.

علاوه بر تظاهرات و مظاهرات ملی روحانیون مبارز، از زمان سلطنت رضا شاه قلدر، همواره مبارزهای بکرای بدست آوردن قدرت محدود شده روحانیون میان دربار و مراجع تقلید وجود داشته است.

مبارزات اخیر مردم، در عین طرح شعار مذهبی و پشتیبانی از روحانیون مبارز، خط و محتوای خویش را که همانا مبارزه علیه دربار و امپریالیسم است حفظ کرده و با روحانیونی همصدا بوده که در مبارزات علیه رژیم شاه و امپریالیسم تا این لحظه پیشر بود فاند. در حالیکه در تظاهرات عملیونی ۱۶ شهریور، مردم تصویر حکایت آیت الله خمینی را حمل میکردند و خواستار بازگشت ایشان بوطن بود فاند. به اطلاعیه‌های دیگری رهبران مذهبی که مخالف تشکیل تظاهرات ۱۶ شهریور بود فاند، وقعی نکذاشتند.

راد یوی ایران ساعت ساعت اعلام میکرد:

"آیات عظام شایعه تعطیل عمومی را تکذیب کردند. گزارشگر رستاخیز در رقم با سخنگویان حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری، حضرت آیت الله العظمی کلپایکانی و حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی تماس گرفت و در مسورد تعطیل فردا نظر آیات عظام را جواش شد. سخنگویان ایشان شایعه تعطیل روز پنجشنبه را تکذیب کرده و اظهار داشته اند هر زمان که

قرار باشد تعطیل عمومی شود مراتب بوسیله اعلامیه به اطلاع عموم خواهد رسید.

در مشهد آیت الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا بروجردی در یک تماس تلفنی با خبرگزاری پارس اعلام کرد:

بدنبال سئوالاتی درسی مؤمنین از سراسر کشور، در مورد کسب تکلیف جهت تعطیلی فردا، که اعلام نمود فاند، ما هیچگونه اطلاعی نداریم و بطوریکه حضرات آیات عظام قم نیز اطلاع داده اند، چنین اعلامیه‌ای صادر نکرد فاند.

(روزنامه رستاخیز، شماره ۱۰۰۸، ۱۶ شهریور ۱۳۵۷)

تنها، سخنگوی حضرت آیت الله نوری، در اطلاعیه‌ای در باره ۱۶ شهریور تصریح میکند:

"البته برگزاری عزای عمومی یا تعطیل به اراده مردم بستگی دارد." (همان روزنامه)

تظاهرات میلیونی روز پنجشنبه ۱۶ شهریور در تهران نمونه بارز رشد سیاسی و آگاهی انقلابی مردمی بود که بعد از ۲۵ سال دینتاتوری مطلق - اعدام، شکنجه، زندان، ترور خیابانی و محیط حلقان پلیسی - زندگی بودن خویش را بمعنای واقعی کلمه نشان دادند. مبارزات مردم ایران در ماههای اخیر، صفحه درخشان دیگری در تاریخ مبارزات خلقهای ما نشود. تا جاییکه ارتشیان آزاد را هم پیوند خود را با مردم نشان دادند و به غرور و فرمان جیب و راست شریک امامی اعتنائی نکردند.

شریف امامی در اطلاعیه ۱۵ شهریور دولت، صریحاً مردم را تهدید میکند:

اما ارتشیان، با مشت‌های کمره کرده‌ی همبستگی همراه خنده و شادی با تظاهر کنندگان روبرو می‌شوند.

کیهان ۱۶ شهریور مینویسد:

"راه پیمایان تهرانی، امروز در چند نقطه به مأموران پلیس و سربازان کل دادند و آنها را روی دوش گرفتند. نیروهای نظامی سعی داشتند از برخورد با تظاهر کنندگان جلوگیری کنند."

حتی علی‌امینی، مهربانه شناخته شده امپریالیسم آمریکا، به پیوند ارتش با مردم اقرار دارد و در مصاحبه‌ای با خبرنگار لوموند، میگوید:

"من فکر میکنم اعلیحضرت در برابر وسعت
تظاهرات دچار اضطراب شده. شاه از همبستگی
ارتش با مردم، ترسیده است."
(لوموند، ۱۲/۹/۷۸)

رژیم شاه به عیب میکوشد در کنار حکومت نظامی،
با بزرگی چند وعقب نشینیهائی عوامفریبانه از جمله:
"استقلال" دانشگاهها، لغو مالیات بر حقوق های
کمتر از ۲۴۰۰ تومان کارمندان دولت، وام کشاورزی به
کشاورزان و خرید محصولات با قیمتی بیشتر، "دستگیری"
چند وزیر و کارمند دزد، "اعلامیه" برای محدودیت
سرمایه‌داری در ایران، سر مردم راشیره بعالد
وضوح فرمول کهنه علی امینی:

"برای حفظ ۷ ریال از یک تومان، باید ۳ ریال مایه
کذاست"

قدمه قد مواضع از دست رفته را دوباره تحمیر کند.
امریالیسم و ارتجاع میخواهند این حرکت وسیع
توده‌های را که دیر سرکوب آن به اشکال گذشته ممکن
نیست، با چند عقب نشینی پستی منحرف کنند که بمفاد
عازترانه آنها لطمه‌ای وارد نشود.

هم اکنون نیروهای مرفقی در برابر آزمون سختی قرار گرفته‌اند.
آنچه که بتجربه ثابت شده اینستکه رژیم شاه خود به
خود سقوط نخواهد کرد، همانطور که لنین بارها
تأکید کرده است، رژیم را "آزماقت نکنند، هرگز سانسط
نمیشود".

شرایط عینی انقلاب مهیاست. مردم از این رژیم
تاراضی و غامض هستند. عسبان مردم را باید پراکنده
کشاند که با عملیات قهرمانانهای که در شرایط امروز خود
"بازگش" اصلی آن هستند، قدرت را بدست گیرند.

در قبرستان آبادان زنی داغدار بگریه میگوید:
"جوونانو کشتن ۰۰۰ کشتن ۰۰۰ چرانشین!؟ بشاه
سریازا کاری نداشته باشین، برین اصل کاری روید انشین
اصلیشو باید سوزوند باید آتیش زد". شوهرش معسبی
میکند او را با خود ببرد اما زن مثل ببر میگردد "مرا از
مردم جدا نکنین میخوام انتقام بشیرم آیی مردم تا آخرش
باشما هستم". دوجوان با موتورسیکلت سر می‌رسند. زن رو
میکند بآنها و داد میزند "برادر را کاری بکنین ۰۰۰"
اشک صورت جوانها را می‌پوشاند. میگویند: "آخرین
دست خالصی جیکار کنیم؟" (نویس، شماره ۴۲)

مردم در قبرستان بهشت زهرا با حضور مأمورین
انتظامی فریاد می‌زدند: "شاه را بدار آویزیم"
زنان در ۱۷ شهریور تفنگ سریازان را از دستشان بیرون
کشیدند.

در کارخانه‌ها بعد از هراعتن ایی صحبت بر سر آنستکه
"خوب، بعد چی؟"

عسبان و قهرتود مهاجری رسیده که برای هر نوع
فداکاری آماده‌اند. نباید به روی آتش قهر این مردم،
مانند سالهای ۳۰، ۴۰ خالصتر شکیبائی و در نتیجه
شکست ریخت. باید این موج خروشان را که یکصد ا
می‌رسد چه کنید، بقیه همگانی، به مبارزه رود در رو فرا
خواند. باید اعتصاب عمومی راه بقیه عمومی و حمله به
موانع استراتژیک رژیم بدل کرد. تنها از این راه است که
ارتش تاراضی ب مردم می‌پیوندد. لنین در جواب آن کسانی
که ارتش را در جامعه طبقاتی، نمی‌شناسند میگوید:

"این بود نخستین درس حوادث در سامبره درس دیگر
مربوط است به جنبشی قیام، طرز هدایت آن و
شرایط ترویج آن ارتش به سمت مردم، در مورد این
مسئله در جناح راست حزب مانظریه پنهان است
یکجانبه‌ای حکمفرماست. می‌گویند مبارزه بر نرسد
ارتش فعلی غیر ممکن است و باید ارتش انقلابی شود.
بدیهی است اکثر انقلاب توده‌های نشود و خود ارتش
رانیز در بر نگیرد. در این صورت سخنی هم از مبارزه
جدی نمیتواند در میان باشد. بدیهی است،
فعالیت در رین واحدهای ارتش امریست ضروری،
ولی موضوع ترویج ارتش به سمت ما نمیتوان بمنزله
یک عمل ساده و منفرد تصور نمود که از یکطرف
نتیجه اقتناع و از طرف دیگر نتیجه فهم و آگاهی
باشد. قیام مسدود عامیانه بودن و فاقد حیاسات
بودن این نظریه را بطور بارزی نشان میدهد.

هنگامیکه مبارزه انقلابی، حدت مییابد و دولتی و
ترویج ارتش که در هر جنبش واقعات توده‌های امری
تأثیر است عملاً بیک مبارزه واقعه برای جلب
ارتش منجر میگردد.

(لنین، در رسهائی از قیام مسدود، جلد اول، قسمت دوم -
صفحه ۱۹۴)

رژیم، طی سالیان دراز کوشید فاسد که بامتد امر یکاکی
و دادن امتیازهای چند به ارتشیان، پلیس، ژاندارمری
و بخصوص نیروهوائی، از آنها بعنوان وسیله سرکوب جنبش
داخلی و منطقه استفاده کند. اما همه کیرشدن مبارزات
ماههای اخیر در ایران و تغییرتساب قواد منطقه و جهان
زمینه را برای پیوستن ارتشیان آزاد بخواه به صفوف خلق
فراهم کرد فاسد. یکی از انگیزه‌های حکومت نظامی، جلوگیری
از این پیوند و قرارداد آنان در برابر جنبش است. تشدید
و تدویم مبارزه، به قول لنین، در صف ارتشیان، دولتی
و شکاف جسدی به وجود خواهد آورد.

مبلغین رژیم مذبحخانه شایع کرد فاند که حکومت
نظامی مردم را از مبارزه دلسرد کرد فاست. تا مردم به
مخالفتهائی که در مجلس شورا و سنا میشود دلخوش
دنباله در صفحه ۴۱